

ویژگی نمادین ستاره هشت‌پر و ارتباط آن با امام رضا(ع) به استناد علم اعداد (حروف ابجد)

نوع مقاله:

پژوهشی

10.22052/HSI.2022.243528.0

ناهید جعفری دهکردی*

گلنار علی بابایی**

خشایار قاضی‌زاده***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۸

چکیده

بنا بر

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۶

بهار و تابستان ۱۴۰۰

۸۵

بافت‌های ترکیبی همگن و منتظم، بدون آنکه ترکیبشان دستخوش تغییر و تحول گردد، قابلیت بسط و گسترش از همه‌سو را برای هنرمند مهیا می‌کنند. نقوش گره در بناهای سنتی، بر نظم موجود به‌واسطه استفاده از انتظامات مرکزی، محوری، تقارن و تعادل در این بناها پدید آمده و تبلوری از نظم و هندسه را جلوه‌گر ساخته است. هندسه اسلامی در بردارنده ویژگی‌های نمادینی است که با مفاهیم دین مبین اسلام قابل تبیین بوده و در قلمرو سنتی اسلامی، می‌تواند با رهیافت‌های دینی ملی همراه باشد. نماد ستاره هشت‌پر به دلیل هندسه و شکل خاص آن در ایران و به‌ویژه در حرم مطهر رضوی، محملی معنوی بر جایگاه دینی امام رضا(ع) تلقی شده است. هدف از این مقاله، بررسی پیوند مفهوم نمادین ستاره هشت‌پر در حرم مطهر رضوی با جایگاه معنوی امام رضا(ع) بوده است. بر این اساس، نمونه‌هایی بی‌نظیر از نقش مورد نظر که توسط هنرمندان بارها در حرم مطهر رضوی به منصفه ظهور رسیده بودند، بررسی شدند. بررسی‌های به‌عمل آمده و یافته‌های این پژوهش بر مبنای روش توصیفی تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، گویای آن است که هنرمندان مسلمان از طریق امتزاج نقش نمادین ستاره با شکل هندسی خاص آن و همچنین به‌کارگیری اصول زیبایی‌شناسی و تجارب کاشی‌کاری سنتی ایرانی، تلاش داشتند شخصیت معنوی امام رضا(ع) را به زبان هندسه و اعداد بیان کنند. هشت‌ضلعی بودن ستاره، آن را به نماد شمسه نزدیک می‌ساخت و این امر به‌طور ضمنی و تلویحی، بیننده را با مفاهیمی نظیر «خورشید خراسان» یا «آفتاب ولایت» پیوند می‌داد. هنرمندان با آنکه برای نقاشی چهره‌ها و شمایل امامان، با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند، بدون توجه به این تنگنا، می‌توانستند یک باور مذهبی عمیق را با خطوط خشک هندسی به نمایش بگذارند.

کلیدواژه‌ها:

بارگاه امام رضا(ع)، ستاره هشت‌پر، شمسه ایرانی، نمادشناسی، علم اعداد (ابجد).

* دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ایران / Jafari.nahid20@gmail.com

** کارشناس ارشد رشته هنر اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / galibabaei@gmail.com

*** استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، تهران، ایران / khashayarghazizadeh@yahoo.com

۱. مقدمه

هنرمند مسلمان در جهان اسلام به ایجاد تزئین‌هایی پرداخت که عنصر اصلی آن‌ها اشکال هندسی و نقوش انتزاعی بود. چنین نگرشی باعث ایجاد قالبی شد که حالتی کاملاً تشبیهی دارد و با ایجاد احجام و تزئین‌ها شامل نقوش هندسی و نگاره‌های اسلیمی، به بیان احساس و اندیشه‌ای خاص پرداخت که «توحید» مهم‌ترین موضوع آن است. نقوش هندسی به‌نحو بارزی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمایش می‌دهد (مددیور ۱۳۷۴، ۱۳۵). روشن است که رشد و اعتلای هندسه و تحمیل بار عرفانی بر آن، مبتنی بر سختگیری جزم‌اندیشان دینی بوده است که تا حد ممکن، راه را بر آزمون هر نوع نگارگری و چهره‌پردازی در قلمرو خود می‌بسته‌اند. هرچند که این سد در برابر ذوق سرشار اصحاب هنر تاب مقاومت نیاورد و راه را بر خلق آثار هنری گوناگونی باز نمود، «هندسه معنوی» در راهی افتاده بود که به‌سوی غنا و تکامل پیش رفت و تمام محیط‌های مذهبی را در زیر تابش پرتو خود گرفت (جعفری دهکردی و قاضی‌زاده ۱۳۹۷، ۴۸). سخن از نقوش زیننده‌ای است که به‌واسطه آن‌ها می‌توان روند رشد و شکوفایی تزئینات هندسی را در جهان اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار داد. تکامل هندسه در اسلام را، اولی بر دیگر جلوه‌های آن، می‌توان در هنر معماری بازجست. نقوش در بازنمایی شکوه معماری اسلامی چنان آراسته و زیبا ظاهر شدند که در قیاس با نقوش نمادهای زنده معماری باروک اروپا، هیچ دست کمی نداشتند و بلکه بر آن سبقت نیز می‌جستند.

هندسه، علمی مبتنی بر چینش اعداد بر اساس فواصل و جهات مختلف است. فیثاغورث اولین کسی بود که از صفات نمادین اعداد و رابطه آن‌ها با طبیعت سخن راند و گفت: آن کس که صفت اعداد را داند و به انواع و اجناس و خصایص آن آشنا باشد، می‌تواند علم بر کمیت انواع موجودات حاصل کند (نصر ۱۳۷۷، ۶۵). در فلسفه هرمسی نیز، جهان اعداد و جهان مطلق یکی انگاشته شده‌اند و بر این عقیده استوارند که اعداد صرفاً کمیت نیستند، بلکه کیفیاتی نمادین به شمار می‌روند. از نظر افلاطون، اعداد مظهر هماهنگی عالم‌اند و از نظر ارسطو، عدد منشأ و جوهر همه‌چیز است. در فلسفه یونانی، اعداد فرد مذکر و اعداد زوج مؤنث‌اند (نورآقایی ۱۳۸۸، ۱۳). فیثاغوریان در باب پیدایش اشکال هندسی از اعداد، معتقدند که از ترکیب مونا^۱ با نامحدود، اعداد ساخته می‌شوند و از اعداد، نقاط و از نقاط، خطوط و از خطوط، اشکال مسطح و از اشکال مسطح، اشکال سه‌بُعدی و سرانجام از اشکال سه‌بُعدی، اجسام محسوس ساخته می‌شود (گاتری ۱۳۷۵، ۱۹۰-۱۹۲).

بر این اساس، این جستار می‌کوشد با هدف شناسایی نقش ستاره هشت‌پر (شمسه‌هشت)، ارتباط آن با امام هشتم شیعیان، علی بن موسی‌الرضا (ع) و مفاهیم نمادین و همچنین علم اعداد را نمایان کرده و عوامل مؤثر بر کاربرد و مفاهیم و ماهیت باطنی نهفته در آن را ارزیابی نماید تا در پرتو آن، به ابعاد نمادین نهفته در هندسه اسلامی شیعی از زاویه‌ای نو نگاهی دیگر انداخته شود. با توجه به اینکه اشکال و نقش و نگارهای هندسی، بخش مهمی از هویت هنر ایرانی اسلامی را تشکیل می‌دهد، تحقیق حاضر بر آن است با بررسی و کنکاش در ماهیت و فلسفه وجودی نقش هندسی ستاره هشت‌پر (شمسه‌هشت) ارتباط آن را با امام هشتم شیعیان مورد مذاقه قرار دهد. از آنجا که بعضاً شاهد نمودار شدن شکل شمس‌هشت در آرایه‌های معماری حرم مطهر علی بن موسی‌الرضا (ع) نیز می‌باشیم، تلاش می‌شود عوامل مؤثر بر کاربرد، مفاهیم و ماهیت باطنی نهفته در آن‌ها ارزیابی شود تا در جهت شناخت بیشتر و رمزگشایی این شکل از طریق علم اعداد گامی برداشته شود. نگارندگان بر این عقیده استوارند که شناسایی و بررسی این نقش، نمونه و معیار شایسته‌ای برای معرفی تأثیر عرفان اسلامی و مذهب تشیع بر هنر معماری است. در این راستا تفاسیر و مفاهیم عرفانی و نمادین این نقش مورد مطالعه قرار گرفته و سپس ابعاد نمادین آن بر اساس علم اعداد و ارتباط آن با امام رضا (ع) تحلیل شده است.

۱-۱ پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش بر مبنای هدف دو سؤال مطرح شده است که نگارندگان تلاش دارند به آن‌ها پاسخ دهند.

سؤال اصلی: مفاهیم نمادین شکل ستاره هشت‌پر در معماری اسلامی بر چه اساسی شکل گرفته است؟

سؤال فرعی: بر اساس علم اعداد (حروف ابجد) چه ارتباطی بین معانی نمادین شکل ستاره هشت‌پر در معماری حرم مطهر رضوی وجود دارد؟

۲-۱ روش پژوهش

این جستار به‌لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های بنیادین نظری قرار دارد؛ چراکه به‌دلیل وابستگی خاص به حوزه معرفتی، جنبه دانش‌افزایی آن مدنظر است اما به‌لحاظ ماهیت، توصیفی تحلیلی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه اشکال و نقش و نگارهای هندسی، بخش مهمی از هویت هنر ایرانی اسلامی را تشکیل می‌دهند، تحقیق حاضر بر آن است با کنکاشی در ماهیت و فلسفه وجودی نقش هندسی ستاره هشت‌پر

(شمسه‌هشت) ارتباط آن را با امام هشتم شیعیان مورد بررسی قرار دهد. از این رو پس از تشریح موضوع، به تبیین چگونگی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد و تمسک به تکیه‌گاه استدلالی از طریق تطبیق عناصر تصویری با علم اعداد فراهم می‌آید. با این شیوه، مسلماً روش کیفی ملاک، قرار می‌گیرد. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و ابزار جمع‌آوری، مشاهده، دوربین و برگه شناسه (فیش) است که از میان جامعه آماری مشتمل بر نقوش هندسی به کاررفته در حرم مطهر امام رضا (ع)، ۲۸ نمونه تصویری از شکل هندسی ستاره هشت‌پر به صورت انتخابی مصداق سخن قرار گرفته‌اند. در این راستا، تقاسیر و مفاهیم عرفانی و نمادین این نقش مورد مطالعه قرار گرفته و سپس معانی نمادین آن بر اساس علم اعداد (حروف ابجد) و ارتباط آن با امام رضا (ع) تحلیل شده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره هندسه معماری اسلامی و اعداد نوشته شده است که از جمله این منابع می‌توان به کتاب هندسه و تزئین در معماری اسلامی (نجیب اوغلو ۱۳۷۹)، طرح‌های اسلامی (ویلسون ۱۳۹۶)، هنر اسلامی (البهسنی ۱۳۹۱)، نقش‌های هندسی در هنر اسلامی (السعید و پارمان ۱۳۹۵) اشاره کرد که در حیطه هندسه و نقش مهم آن در معماری اسلامی به خصوص تزئینات مساجد سخن به میان آورده‌اند. از میان این نویسندگان، عصام السعید نقش ستاره هشت‌پر را در هنر اسلامی با ذکر طرح و محل آن عنوان کرده است. در کتاب حس وحدت (اردلان و بختیار ۱۳۹۰) نقش اعداد از جمله عدد هشت در طبیعت و هندسه و عرش الهی بررسی شده است. رساله هندسه اخوان الصفا (۱۹۵۷) از علم حساب و هندسه و رابطه آن با اعداد و اجناس و انواع خواص حساب سخن گفته و آن را با انواع موجودات و کمیت و علت آن مرتبط دانسته است. شیمیل (۱۳۹۵) پژوهشگر غربی در کتاب راز اعداد، خواص اعداد مقدس را بیان کرده و کتاب‌هایی را که در زمینه علم اعداد که از قرن شانزدهم میلادی به بعد در غرب منتشر شده، معرفی نموده است. در زمینه علم اعداد و حروف، کتب مختلف از جمله رساله شاه نعمت‌الله ولی و رسالات ابن عربی و کتب اولیاء الله از جمله لوح محفوظ استاد حافظیان که در آن تطابق عددی کلمات به نگارش درآمده‌اند، در معرفی این علم یاری‌دهنده است. مقالاتی نیز همچون «مفاهیم و بیان عددی در هنر گره‌چینی صفوی» (کیانمهر و خزایی ۱۳۸۵)، مفهوم عددی هشت را در گره‌های هندسی و مرحله هشتم سلوک مورد پژوهش قرار داده‌اند. فرزانه خسته و محمود طاووسی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «راز و رمز اعداد در تزئینات مساجد (مسجد جامع ورامین)»، به بررسی معانی باطنی اعداد به کاررفته در این مسجد با نگاهی عارفانه پرداخته و گره‌های مختلف از جمله گره هشت را از نظر عرفانی بررسی کرده و نقش شمس را تجلی‌گر معانی عرفانی دانسته‌اند. نویسنده مقاله «هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی» (حجازی ۱۳۸۷)، به نسبت‌های هندسی تابع اصول انتزاعی و فراطبیعی با اعتقاد بر مقدس بودن موضوع خود و دارای یک زبان نمادین با ویژگی‌های عرفانی اشاره نموده و این روابط را در پدیده‌های طبیعی و بناها تحلیل کرده است. در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دوره تیموری و صفوی» (فغفوری و بلخاری قهی ۱۳۹۴)، محققان ضمن تطبیق مضمون این کتیبه‌ها، اشاره به اصلی‌ترین مبنای اعتقادی شیعه، یعنی اصل امامت داشته و نقش شمس‌هشت را در مسجد گوهرشاد نمودی از امام هشتم شیعیان و تبرک به نام ایشان دانسته‌اند. پژوهش‌های عنوان شده کاربرد عدد هشت را در معماری اسلامی در مسیر موضوع عرفانی و ارتباط عدد هشت در عالم طبیعت با عالم معنا را در نظر داشته‌اند و تاکنون پژوهشی در جهت انطباق ستاره هشت‌پر و ارتباط آن با امام هشتم (ع) از منظر علم اعداد و حروف صورت نپذیرفته است. امید است این پژوهش با نگرشی نو در جهت شناخت معنای باطنی عدد هشت راهی جدید را برای محققان بگشاید.

۲. علم اعداد و علم حروف (ابجد)

ارسطو و فیثاغورس ذات اشیا را با صورت و ساختار اشیا یکی می‌گرفتند و معتقد بودند که صورت و ذات را فقط با اعداد می‌توان نشان داد و می‌گفتند که «اشیاء عددند» (کاپلستون ۱۳۶۸، ج. ۱: ۴۴). بر اساس نظر ارسطو، اشیا، اعداد را متمثل می‌سازند (گاتری ۱۳۷۵، ۱۶۲). اخوان الصفا به تأثیر از نظر فیثاغورس، عدد ۱ را رمز نقطه و وحدت، عدد ۲ را رمز خط، عدد ۳ را رمز سطح و عدد ۴ را رمز حجم می‌دانستند (همان، ۴۵). آنان می‌پنداشتند که خطوط اگر مجاور یکدیگر قرار گیرند، سطح قابل رؤیت پدید می‌آید. سطح، اصل جسم است؛ همان طور که خط، اصل سطح و نقطه، اصل خط و یک، اصل دو، و دو و یک، اصل اولین عدد فرد، عدد سه است (اخوان الصفا ۱۹۵۷، ج. ۱: ۸۱-۸۰). عدد در نظر مکتب فیثاغورس چون دارای معنی رمزی و تمثیلی نیز هست، نه تنها وسیله تجزیه و تحلیل به شمار می‌آید بلکه طریق توحید و

ترکیب نیز می‌باشد (نصر ۱۳۷۷، ۲۰۶). در فلسفه فیثاغوری، علوم ریاضی اهمیت زیادی داشته است. فیثاغورث عدد را اصل وجود پنداشته و همه امور را نتیجه ترکیب اعداد و نسبت‌های آن‌ها می‌داند و اساس نظام عالم را تابع عدد می‌شمارد و هر وجودی را چه مادی باشد یا معنوی، با یکی از اعداد مطابق می‌داند. خلاصه، او عدد را حقیقت اشیا و واحد را حقیقت عدد می‌خواند (فروغی ۱۳۱۷، ۵).

دیدگاه فلسفی اسلامی درباره جایگاه معنوی اعداد و به تبع آن ریاضیات، مأخوذ از بطن تعالیم اسلامی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «آسمان‌ها و زمین را با هر چه مابین آنهاست جز به حق نیافریدیم» (حجر: ۸۵). حقی که در اینجا از آن سخن می‌رود، اشاره به جایگاه هر مخلوقی به تناسب است که از آن می‌توان عدل را در معنای وسیعش استنباط کرد.

گروه اخوان الصفا در بصره طرفدار اسماعیلیان بودند و رساله‌های جامعی را در قرن ۱۰ م/۴ ق می‌نوشتند و ظاهراً نخستین کسانی بودند که به طور گسترده‌ای از اندیشه‌های نوافلاطونی و فیثاغورثی بهره بردند؛ اینان می‌پنداشتند که علم اعداد راهی برای درک اصل وحدت موجود در هر شیء و علمی فراتر از طبیعت و در عین حال ریشه همه علوم است (شیمل ۱۳۹۵، ۳۰). اخوان الصفا برای اعداد جنبه‌های کیفی و کمی قائل شده و معتقد بودند جنبه کیفی هر عدد باطن یا ذاتی است که ضمن متمایز گردانیدن اعداد از یکدیگر، اعداد را از کثرت به وحدت بازمی‌گرداند (اخوان الصفا ۱۹۵۷، ج. ۱: ۴۹).

در نگاه فلسفی، اعداد اصل موجودات یا نخستین تجلی روح بر جان به شمار می‌آیند؛ به عبارتی اعداد تصویر روحانی ناشی از تکرار وحدت متجلی در ذهن انسان هستند. مفهوم عدد در اسلام مشابه است با نظام فیثاغورثی که در آن اعداد (کمی و کیفی) صرفاً با جمع و تفریق، ضرب و تقسیم تعریف نمی‌شوند. بیان با فرم بیرونی یک عدد توانایی‌های بالقوه آن را از بین نمی‌برد و باطن و ذات اعداد آن‌ها را از هم مجزا می‌کند. این باطن، تصویری از وحدت است که مدام عدد را به منشأش پیوند می‌دهد. عدد در مفهوم فیثاغورثی اش، اشکال خاصی از دنیای محسوس را برجسته می‌کند و این اشکال را از طریق ذاتشان درون وحدت یکپارچه می‌کند (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۵۵). علم اعداد از جمله علوم اسرار و معارف غریبه بشری است که منشأ آثار خارق عادت و مبدأ فعالیت روح انسان و مصدر بروز استعداد فطری اوست؛ این علم را انبیای عظام و حکمای بزرگ تمهید و تأسیس کرده‌اند و بنا بر وظیفه حفظ امانت و معرفت، دانشمندان پیشین، آن علوم و اسرار را روی میزان صحیح به شایستگان و برگزیدگان از شاگردان خود تعلیم می‌دادند و سینه‌به‌سینه این امانت را به آیندگان می‌سپردند و حقایق و اسرار خود را در صندوق مستحکم سینه اهل بسز نگهداری می‌کردند. اعظم فلاسفه اسلام این سینه را اشارات، در نمط دهم فرموده است: «شکی نیست که این علم شریف منشأ آثار عجیبه است.» بر حسب اسراری که خداوند متعال در اعداد قرار داده، این علم مبدأ آثار شگفت‌آور است و اطلاع بر آن بایی از قدرت روحی بر انسان می‌گشاید (حافظیان ۱۳۹۱، ۳۳). دایره ابجد ۲۸ حرف است که در زبان فارسی و عربی مورد استفاده است. علما برای آن حروف، تسکین و دایره‌هایی^۲ مرتب نموده‌اند و هر کدام از آن‌ها را نامی گذارده‌اند. بدین ترتیب که کل حروف را هشت قسمت کرده و هر قسمت را به ترتیب در قالب عبارتی قرار داده‌اند. نظراتی که پیرامون این عبارات ارائه می‌شد، آمیخته با حسی از معنویت و قداست نیز بوده است؛ چنان‌که میرمحمدباقر داماد (۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ق) در کتاب جذوات، این حدیث نبوی را آورده است: «تعلّموا ابجاده و تفسیرها» و «الابجد مرکوز فی لوح محفوظ» (حافظیان ۱۳۹۱، ۶۳-۶۲).

در گذشته، برای نشان دادن برخی عبارات و شماره سال‌ها، از حروف استفاده می‌شد. به این ترتیب که شخص با ترکیب و چینش مناسب حروف بر مبنای ارزش عددی‌ای که به طور قراردادی به آن‌ها اطلاق شده است، آن‌ها را با عدد مورد نظر خود منطبق می‌ساخت. ظاهراً ماده تاریخ‌ها تا اوایل قرن هشتم ساده بوده و تنها با آوردن حروف ابجد به صراحت بیان می‌شده‌اند، ولی از اوایل این قرن به تدریج، تعریض^۳ و تلمیح^۴ و ایهام و بعدها تعمیم^۵ نیز در بیان آن‌ها به کار رفته است (درخشان ۱۳۵۶، ۹)؛ چنان‌که در تاریخ شهادت امام رضاع) نیز آمده است:

آن امام رضا حبیب خدا ضامن مؤمنان به روز جزا

گشت چون نوبهار باغ جنان شده تاریخ ایمن ایمان

عبارت «ایمن ایمان» به حساب ابجد، عدد ۲۰۳ را نشان می‌دهد^۶ (طالبیان ۱۳۸۴، ۲۶).

۱-۲. قواعد

تیمه دانان هر حرفی بخوانند ملفوظی کنند آنچه را تلفظ می‌شود می‌نویسند، حال آن حرف یا دو حرفی است مثل «با، حا، تا» یا سه حرفی مانند «عین، قاف، کاف»؛ هر چه باشد حرف اول آن را زُبر و باقی مانده آنرا یَئِنَات^۷ می‌نامند (حافظیان ۱۳۹۱، ۵۳-۵۴) (جدول ۱).

جدول (۲) نمونه‌ای از تبدیل به حروف عدد لوح محفوظ است. حروف مقطعه و اعداد آن مشخص شده و بعد، عدد ۱۰۷۸ به حروف تبدیل شده؛ به این صورت که عدد ۸ حرف «حا»، عدد ۷ حرف «زا» و عدد ۱ حرف «الف» را نشان داده و مجموع به ۱۲۸ رسیده است (حافظیان ۱۳۹۱، ۶۰-۵۸).

جدول ۲: تبدیل به حروف عدد لوح محفوظ (حافظیان ۱۳۹۱، ۵۸)

مقطعه	ل	و	ح	م	ح	ف	و	ظ
اعداد	۳۰	۶	۸	۴۰	۸	۸۰	۶	۹۰۰
جمع اعداد ۱۰۷۸								
تبدیل به حروف	ح	ز	ا					
ملفوظی حروف	حا	زا	الف					
عدد ملفوظی	۹	۸	۱۱۱					
جمع اعداد ۱۲۸								

جدول ۱: زُبر و بینات محمد (حافظیان ۱۳۹۱، ۶۰)

مقطعه	م	ح	م	د
ملفوظی	میم	حا	میم	دال
بینات	یم	ا	یم	ال
اعداد	۴۰ و ۱۰	۱	۴۰ و ۱۰	۳۱
جمع اعداد بینات ۱۳۲				

۳. تحلیل‌های عددی

با توجه به موارد ذکر شده، در جدول (۳) تحلیل عددی ستاره هشت‌پر آمده است. از آنجا که دو شکل هندسی دایره و مربع اساس تشکیل ستاره هشت‌پر بوده‌اند، ابتدا تحلیل عددی این دو شکل مدنظر قرار داده می‌شود و عدد عنوان تحلیل با کلمه مربوط به بطن مربع و دایره تطبیق پیدا می‌کند و حاصل در تبدیل به حروف، عدد ۶۲ را که بینات هشت است نشان می‌دهد.

جدول ۳: تحلیل تطبیق عددی و تبدیل حروف به عدد (نگارندگان)

عنوان تحلیل	عدد	تطبیق	تبدیل به حروف عدد
مربع، دایره	۵۳۲	بینات علم شمس هشت‌گوش	۶۲ = بینات هشت
ملفوظی تربیع دایره	۱۱۱۰	شمسه هشت	۳۳۳ = بینات عرش اعلی
چرخش دو مربع درهم	۱۶۷۴	شمسه هشت‌پر مسلمین اسلام	۱۶۷ = بینات ناب
دو مربع متداخل	۱۳۹۷	قاعده الهی علم هشت‌گوش	۱۸۲ = بینات سیز عرش
بینات دو مربع متداخل	۳۸۴	بینات هندسه شمس هشت‌پر	۹۷ = کعبه
دلیل مربع بودن عرش	۱۰۱۸	مربع نماد چهار رکن اسلام	۲۳۱ = الر = هندسه ازلی جهان
رمز عدد هشت	۱۰۳۰	نماد عدد هشت آسمان	۱۶۴ = پایه علوم
هشت‌ضلعی	۱۶۱۵	نماد آقا امام هشتم علی بن موسی سلام‌الله علیه = بینات ملائک‌الله اکبر حاملان عرش لایزال الهی	۲۴۱ = امر = بنیان وجودی ناب الهی
بینات شمس هشت‌گوش	۳۸۱	ملفوظی یا الله (تصویر ۳)	۱۷۳ = ستاره

با توجه به تحلیل‌های قبلی، با بررسی صفات امام رضا (ع) از نظر علم اعداد مقطعات عالم و الر پدیدار می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴: تحلیل تطبیق عددی و تبدیل حروف به عدد (نگارندگان)

عنوان تحلیل	عدد	تطبیق	تبدیل به حروف عدد
انبیس النفوس السلطان علی بن موسی‌الرضا سلام‌الله علیه	۲۱۵۱	بینات الر سر عدد سلطان، هشتمین امام علیه‌السلام عالم آل محمد	۲۳۱ = الر
السلطان علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام	۱۷۶۸	بینات شمس هشت‌گوش نماد امام هشتم ولی شیعیان اسلام	۱۴۱ = عالم
شمس الشموس سلطان طوس	۱۰۶۲	نماد علم امام هشتم	۱۲۷ = پایه ناب دانمی
بینات امام رضا علیه‌السلام	۹۵۱	هشتمین امام دین	۱۲۷ = پایه ناب دانمی

سپس تحلیل تطبیقی دو جمله با احتساب حروف ابجد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در اینجا تطبیق عددی دو جمله از نظر درک باطنی، مفهومی یکسان دارند و به‌واسطه علم اعداد رسیدن به ذات آن امکان‌پذیر است (جدول ۵).

جدول ۵: تحلیل تطبیق عددی دو جمله با حساب ابجد (نگارندگان)

جمله	عدد	تطبیق
علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام	۱۳۱۰	انوار سلطان طوس امام هشتم علیه‌السلام
شمس الشموس امام هشتم	۱۶۶۴	قدر امام رضا علیه‌السلام
بینات الشمس الشموس	۶۴۹	سید عالم آل محمد صلی‌الله علیه
بینات هشتمین ستاره امامت	۶۶۳	حق علی بن موسی علیه‌السلام

حال در جدول (۶) به تحلیل تطبیقی عددی، بینات و ملفوظی تعدادی از کلمات مقاله پرداخته می‌شود و با اشاره به عدد کلمه یا جمله مربوطه و تطبیق آن و ارتباطش با بینات و تبدیل به حروف بینات و همچنین تحلیل عدد ملفوظی و تبدیل به حروف آن، به جواب آخر می‌رسیم که دال بر ارتباط نماد این ستاره با امام رضا(ع) است.

جدول ۶: تحلیل تطبیقی عددی، بینات و ملفوظی (نگارندگان)

عنوان	عدد	تطبیق	تحلیل بینات	تبدیل به حروف عدد بینات	تحلیل ملفوظی	تبدیل به حروف ملفوظی
مربع	۳۱۲	رمز دنیا	۱۱۲ = بینات راز	۲۲۵ = قانون پایه	۴۲۴ = پایه قانون علم جهان	۷۳ = ابدی دائمی
دایره	۲۲۰	عدد پایه هندسه	۱۴۴ = جایگاه ازلی دائمی	۱۸۱ = قواعد	۳۶۴ = قانون وجود لایزال جهان	۱۰۱ = ازلی ناب
هشت	۷۰۵	سز زیبایی شمسه	۶۲ = وجه ازلی	۱۶ = آیه	۷۶۷ = بینات بسم الله الرحمن الرحیم	۲۹ = پی ابدی
شمسه هشت	۱۱۱۰	بینات علم ناب علی بن موسی علیه السلام = سز ناب علم آقا علی بن موسی علیه السلام = ملفوظی تربیع دایره	۲۳۳ = جایگاه علم ناب	۱۰۹ = پایه کامل	۱۳۴۳ = نماد جامع سز قاعده هندسه عرش	۲۵۲ = پایه قواعد ناب
شمسه هشت‌پر	۱۳۱۲	راز امام هشتم علیه السلام	۲۳۵ = بینات عدد پایه	۶۲ = بینات هشت	۱۵۴۷ = نماد عدد کامل رمز قوانین هندسه عرش لایزال الهی	۱۶۰ = بینات لاهوت
ستاره هشت‌پر	۱۵۷۳	وجه وجود امام علی بن موسی علیه السلام ضامن آهو = سز الهی آقا علی بن موسی سلام الله علیه عالم آل محمد صلی الله علیه	۲۳۷ = کلمه پایه هندسه	۶۴ = بینات هشت‌پر	۱۸۱۰ = بنیاد وجود آقا علی بن موسی الرضا سلام الله علیه = نماد عدد امام هشتم سلام الله علیه سلطان انیس النفوس	۲۳۱ = الر = هندسه ازلی جهان
هندسه ستاره هشت‌پر	۱۶۹۷	ستاره هشت‌گوش = شمسه هشت‌پر شیعه = الله اکبر شمسه هشت دین مبین اسلام	۳۸۶ = بینات الله اکبر = بینات آسمان = بینات علم شمسه هشت‌پر	۷۵ = طوس	۲۰۸۳ = سز شمسه هشت‌پر شیعه بنیاد جهان	۶۵ = وجود الهی = مکه = دائمی
سوره حاقه	۳۸۵	شیعه = سز ابدی حق	۲۶۲ = جایگاه وجود پایه ناب دائمی	۱۹ = وجود	۶۴۷ = بینات رمز هشت ملک مجرد مبین عرش	۵۶ = دائمی
حاملان عرش لایزال الهی	۸۲۵	پد هشت ملانکه	۹۴۶ = هشت امر = ملانک علم هشت	۵۸ = حد الهی	۱۷۷۱ = واحد هندسه هشت ملانکه عرش لایزال الله جل جلاله	۲۳۸ = حاملان حق = هندسه جامع
الله اکبر ^۸	۲۸۹	بینات آینه عرش = حق المبین ازلی	۳۸۶ = بینات آسمان = بینات علم شمسه هشت‌پر	۷۵ = طوس	۶۷۵ = رکن شمسه	۲۷ = وجه احد
الر ^۹	۲۳۱	هندسه ازلی جهان	۱۵۲ = آسمان = جایگاه ناب جهان = یا منان (تصویر ۲)	۱۲۰ = وجود ناب ازلی = بنیاد ناب	۲۸۳ = بینات یا منان = بینات ستاره هشت‌گوش = وجود دائمی علم الله جل جلاله (تصویر ۲)	۱۱۵ = بینات مظهر هشت

۴. شکل هندسی ستاره هشت‌پر

هندسه در رده‌بندی علوم اسلامی از شعب علوم ریاضی به شمار می‌آید که درباره اندازه و تناسب اشکال بحث می‌کند. طرح‌های هنر اسلامی در عین زیبایی‌ای که در کاربردهای متنوع و بر سطح آثار متعدد، از خود برجای می‌گذارند از اصول هنری و ریاضی بهره می‌برند؛ بنابراین هندسه قواعدی همچون تقارن، انعکاس، تکرار و نظم، توانایی تغییر فرمیک يك نقش مایه به اشکال کوچک‌تر، تکرار یا تقسیمات منظم و گسترش آن در بسیاری از مکان‌ها را دارا می‌باشد. اشکال هندسی به‌عنوان آرایه هنری در ادوار مختلف اسلامی به‌خصوص در معماری به کار گرفته شده است؛ یکی از این اشکال، نقش ستاره هشت‌پر پدیدآمده از دو شکل هندسی دایره و مربع است. به عقیده رنه گنون، شکل دایره به‌طور مستقیم و بی‌واسطه به مربع بدل نتواند شد؛ بنابراین شکل دیگری در میانه این دو شکل لازم است که دال بر انتقال باشد و متناظر با عالم مثال هشت وجهی شکل عالم مثال می‌باشد (Guenon 2004, 290).

در عهد باستان، هشت، عدد سعد بوده است؛ در بابل آن را عدد خدایان می‌دانستند (شیمل ۱۳۹۵، ۱۰۷). در آیین زرتشت ستون هشت‌پر و سرسرای هشت‌گوش را در بنای آتشکده‌ها به کار می‌بردند و هشت را عددی خوش‌یمن می‌دانستند. آموزه‌های آیین مهرپرستی با نجوم و علم ستاره‌شناسی پیوند ناگسستنی دارد. بنا بر اعتقاد مهرپرستان، روح انسان علوی است و از فلک اعلی (آسمان هشتم و جایگاه

مهر) با گذشتن از هفت آسمان سیارات یا اختران که هر یک جایگاه خدایی ویژه می‌باشد، به زمین نازل شده و وظیفه فرد مومن این است که با به انجام رسانیدن هفت مقام، روحش را نجات داده و دوباره با مهر وحدت یابد (اولانسی ۱۳۸۶، ۲۲). ستاره هشت‌پر، دایره‌ای نهفته در اشکال هندسی با اضلاع شکسته را تداعی می‌کند که خود از مفهوم نمادینی قوی برخوردار است. به تعبیر معناگرایان، تمام ستارگان از وجود پروردگار متعال که به صورت رمز، دایره کشیده شده، سرچشمه می‌گیرند. این دایره به ستارگان احاطه دارد و مرکز وجود آن‌ها به شمار می‌رود (البهسنی ۱۳۹۱، ۱۱۵).

۱.۴. نمادشناسی

تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هر چیزی مانند اشیای طبیعی، مصنوعی و حتی اشکال تجریدی (مانند اعداد، اشکال سه‌گوش، چهارگوش و دایره) می‌تواند معنایی نمادین پیدا کند. از این منظر می‌توان گفت که تمامی جهان، یک نماد بالقوه است. انسان با گرایش طبیعی که به آفرینش نمادها دارد، به‌گونه‌ای ناخودآگاه اشیا یا اشکال را تغییر می‌دهد تا حالتی مذهبی یا هنری به خود بگیرند (یونگ ۱۳۹۵، ۳۵۲).

بنا به تعریفی، نماد عبارت است از سخن گفتن از غیب برحسب شاهد، یعنی سخن گفتن از آنچه از دسترس حواس بیرون است با کلمات واقعیات ظاهر؛ بنابراین نماد سخن گفتن از باطن برحسب ظاهر است (نویا ۱۳۷۳، ۲۹). نقوش هندسی دو مفهوم ساختاری و ادراکی را هم‌زمان نمایان می‌کنند؛ از این‌رو که مفهوم ساختاری یا صوری هر شکل آشکار است و آن را فارغ از دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون می‌توان مورد شناسایی و تحلیل قرار داد، درحالی که مفهوم ادراکی شکل به‌صورتی پیچیده و پنهان با عوامل بسیار متنوع و متعدد از جمله فرهنگ عمومی یک جامعه، سنت‌های گذشته، آگاهی‌ها و سلیقه‌های گروهی و فردی، محیط و زمینه قرارگیری شکل و ویژگی‌های کالبدی آن بستگی دارد (دیباچ و سلطانزاده ۱۳۷۷، ۱۱-۱۰). برای درک بهتر مفاهیم مدنظر هنرمند، نمادهای موجود ستاره هشت‌پر (شمسه هشت) از نظر گذرانده می‌شود.

۲.۴. مفاهیم نمادین ستاره هشت‌پر در اسلام

بهره‌گیری از طرح‌های هندسی در همنشینی شکل‌ها، از پیشینه‌ای قوی برخوردار است و مختص به هنر اسلامی نیست. اغلب هنرهای سنتی، چه غربی و چه شرقی، این اشکال مفهومی نمادین را داشته‌اند؛ اما کاربرد گسترده آن، در هنر اسلامی به رشد و کمال معنوی رسید. در هنرهای تجسمی هند و خاور دور، دایره چهار یا هشت‌پر الگوی معمول نمایه‌های مذهبی است که جهت تمرکز اندیشه از آن استفاده می‌کنند؛ به‌ویژه در لاماگرایی اهالی تبت، ماندالاهای^۱ به‌گونه‌ای خیره‌کننده، این نمادها را تزیین می‌کنند. ماندالاهای معمولاً معرف رابطه کیهان با قدرت الهی هستند. کارکرد دایره در اسطوره‌ها، روایات، ماندالاهای پرستش خورشید و نیز نقشه‌های قدیم شهرها، بیانگر توجه به عنصر «تمامیت» به‌عنوان اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه زندگی انسان است (یونگ ۱۳۹۵، ۳۶۷-۳۷۹). منظور از هندسه به‌معنای رازآموزی آن، هندسه‌ای است که هندسه غیرسنتی، باقی‌مانده ساده منحنی از آن بیش نیست که از معنای عمیقی که داشته تهی شده و به نظر ریاضی‌دانان جدید، یکسره از دست رفته است. همه آیین‌هایی که فعل پدیدآورنده و نظم‌بخشنده خدا را با هندسه و در نتیجه و به‌تبع آن با معماری‌ای که از هندسه جدایی‌ناپذیر است یکی می‌شمارند، بر همین پایه استوارند و می‌دانیم که این آیین‌ها از مذهب فیثاغورثی در آنچه از سازمان‌های غربی رازآموزی باقی است، به‌نحوی پیوسته و مداوم محفوظ مانده و به آن‌ها انتقال یافته است. این طرز تفکر مخصوص، به سخن افلاطون مربوط می‌شود؛ آنجا که می‌گوید: «فعل خدا همواره جنبه هندسی دارد» (گنون ۱۳۹۲، ۳۵).

فرم هشت‌وجهی را می‌توان با دو شکل هندسی به نمایش گذاشت: نخست به‌صورت یک هشت‌تایی منتظم، و دیگر به شکل هشت‌پر که در هنر اسلامی به آن شمشه نیز اطلاق می‌گردد. شکل شمشه در تزیینات بنا و کاشی‌کاری‌ها و فرم هشت‌وجهی و هشت‌تایی منتظم، بیشتر در پلان ساختمان‌ها و اصول طراحی آن‌ها کاربردهای ویژه‌ای در معماری داشته‌اند؛ یکی از این کاربردها، پایه‌های هشت‌گانه‌ای است که گنبد بر آن قرار می‌گیرد که در معماری «گریو» نامیده می‌شود. اردلان و بختیار در کتاب حس وحدت، از این گنبد به‌درستی یاد کرده‌اند: هنگامی که پیامبر (ص) عروجشان به آسمان را تشریح می‌کردند، سخن از گنبد صدفی عظیمی می‌راندند که بر مربعی تکیه داشت و از چهار ستون چهارگوشه‌اش که بر آن‌ها رمز چهاربخشی قرآن کریم «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده است؛ و از آن ستون‌ها چهار رودخانه سعادت جاودانی جاری است. گنبد بر مربعی تکیه داشته است و یک هشت‌ضلعی مابینشان قرار می‌گرفت که نماد هشت فرشته حاملان عرش است که متناظر بود با هشت گل‌باد^{۱۱} (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۶۱). با کمی دقت نظر در آیات و روایات اسلامی، جلوه بارز این نقش را می‌توان توجیه کرد. در این ارتباط اشاره به حدیثی از امام جعفر صادق (ع) می‌شود که در آن علت مربع بودن کعبه را به مربع بودن عرش و مربع بودن عرش را

به دلیل استوار بودن اسلام بر چهار رکن دانسته‌اند.^{۱۲} ستاره هشت ضلعی از دو مربع^{۱۳} متداخل در یکدیگر تشکیل شده است؛ یک مربع قوای چهارگانه طبیعت و مربع دوم تعبیری از چهار جهت چهارگانه هستند. تداخل این دو مربع در یکدیگر، یعنی قوای خداوند^{۱۴} (البهنسی ۱۳۹۱، ۱۴۱). به بیان دیگر باید گفت که تفسیر ارائه شده از این نماد، در پی اثبات این مسئله است که همه اجزای چهارگانه‌ای که از نظر قدما شاكلة جهان هستی بودند، در تمام جهات جغرافیایی تکثیر پیدا کرده و نمودی از قدرت بی‌پایان و لایتناهی جهان‌آفرین هستند.

بازشناسی نماد شمس را با این دیدگاه که شکل ستاره را نمادی از الوهیت و تقوی اسلام می‌دانند می‌توان تبیین کرد (بروس میتفورد ۱۳۹۴، ۱۸۱). کاربرد نقوش مزبور با توجه به جایگاه قرارگیری شان در آسمان، می‌تواند استعاره از آسمان غیب باشد که نزد عارفان، محل و موطن انوار و تجلیات الهی است (سجادی ۱۳۷۰، ۴۹). در شأن و تقدس عدد هشت در دین اسلام، احادیث و روایاتی ذکر شده که باید در شناخت ستاره هشت‌پر آن‌ها را در نظر گرفت؛ از جمله اینکه خداوند در آیه ۱۷ سوره مبارکه حاقه اشاره به هشت فرشته‌ای دارد که عرش لایزال الهی را حمل می‌کنند.^{۱۵} در حدیثی از امام محمدباقر (ع) نقل شده است که بهشت هشت در دارد و فاصله هریک از درهایش مدت چهل سال است.^{۱۶} تفاسیر اسلامی در تبیین قداست عدد هشت، آن را این‌گونه مورد سخن قرار می‌دهند که «بهشت دارای هشت درب است که در عرفان درب هشتم در توبه و در همیشه باز محسوب می‌شود» (امامی ۱۳۸۱، ۶۳).

با تعمق در آیات قرآن مجید به این حقیقت دست پیدا می‌کنیم که در دین مبین اسلام، به‌استثنای نور و روشنایی، تصویری شکلی از خداوند ارائه نمی‌شود. در آموزه‌های اسلامی، حق تعالی نور حقیقی و مطلق دانسته شده است؛ به همین سبب عرفای اسلامی به نور اهمیت بسیار داده‌اند (سجادی ۱۳۷۰، ۷۷۱). هنرمند تلاش می‌کند در جهت روحانی نمودن اثر خود، نور حق را که لازمه و اساس هنر اسلامی است در کار خود بگنجانند؛ چراکه شمس (خورشید) در نزد عرفای اسلامی، نماد انوار حاصل از تجلیات الهی و حقیقت نور خدا و ذات احدیت است (همان، ۳۷۴). چنان‌که خداوند در قرآن کریم خویش را نور آسمان‌ها و زمین می‌خواند (نور: ۳۵). امام جعفر صادق (ع) در ارتباط با این مطلب می‌فرماید: «هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِّنْ نُورٍ، وَ نُورٌ فِی نُورٍ، وَ نُورٌ عَلٰی نُورٍ، وَ نُورٌ فَوْقَ کُلِّ نُورٍ، وَ نُورٌ یضیءُ بِه کُلِّ ظُلْمَةٍ» (کلینی ۱۳۷۹، ج. ۴: ۲۴۹). می‌توان اذعان داشت که شکل و نماد مورد سخن ما، تحت‌تأثیر عرفان و معنویت اسلامی توسط هنرمند به کار رفته است؛ زیرا بیشترین ارتباط را با مفاهیمی چون خداوند، نور و آسمان دارد. در واقع این مفهوم با اعتقاد بر این که همه مسلمانان در جهت رسیدن به معبود حقیقی باید راهی مستقیم و نوری هدایتگر را پیمایند، شکل گرفته است.

۵. تزیینات حرم مطهر امام رضا (ع)

وجود مقدس امام رضا (ع) در اندیشه‌های شیعی، نمادی تلقی می‌شود که با راهنمایی و روشنگری، مردم را به سوی حقیقت و سعادت ابدی سوق می‌دهد و از همین روست که به شمس الشمس ملقب شده‌اند. ایشان به‌عنوان چراغ و راهنمایی منظور می‌شوند که نقش واسطه میان مسلمانان و رب حقیقی را به‌نحو شایسته اجرا می‌کنند و هدایتگر جامعه اسلامی به‌سوی کمالات و فضایل انسانی می‌شوند. در نگاهی جامع‌تر، ائمه معصومین (ع) با علم و فضیلت خویش، جامعه بشری را منور می‌کنند و باعث بروز اثرات معنوی در زندگی مسلمانان می‌شوند. استفاده از نقوش مزبور در امر تزیین را می‌توان در همین راستا تبیین نمود؛ کاربرد این نقوش، نوعی پیروی و تبعیت هنرمندان از پروردگار جهانیان است. خداوند سبحان می‌فرماید: «همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم»^{۱۸} و این مفهوم به‌روشنی هرچه تمام‌تر در حرم امام رضا (ع) و در نمونه‌های بسیار فراوانی از تداخل، همنشینی و هم‌خوانی اشکال هندسی که در جای‌جای حرم مطهرشان توسط معماران به‌کار رفته است، دیده می‌شود.

در تصویر (۱) که بخشی از ازاره روضه منوره حرم مطهر امام رضا (ع) است، نقوش همپوشان کاشی‌های زرین‌فام متشکل از ستاره هشت‌پر و طبل و هشت ضلعی منتظم در کنار هم فراکتال^{۱۹} زیبایی را به وجود آورده‌اند. این کاشی‌ها متعلق به سه مقطع تاریخی هستند: قدیمی‌ترین تاریخ مضبوط روی کاشی‌ها سال خمس مائه (۵۰۰ ه‍.ق) است که ظاهراً بخش انتهایی آن از بین رفته است (عطاردی ۱۳۷۱، ۹۱). دومین تاریخ مربوط به سال ۶۱۲ ه‍.ق مصادف با سلطنت سلطان محمد خوارزمشاه است (فریه ۱۳۷۴، ۲۷۷؛ کیانی ۱۳۷۴، ۱۴۰؛ پوپ ۱۳۸۴، ۱۰۷). سومین تاریخ درج‌شده مربوط به سال ۷۶۰ ه‍.ق، در ازاره صفة شمالی روضه منوره (صفه شاه‌طهماسبی) نصب است (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۲، ج. ۲: ۳۴۶-۳۴۷). کتیبه‌های مفصلی نیز در حواشی این کاشی‌ها با مضامین قرآنی، احادیث معتبر، کلمات قصار، امثال و اشعاری از امام رضا (ع) و دیگر ائمه طاهرين به خط نسخ نوشته شده است (خورشیدی ۱۳۹۶، ۴۵؛ اطلس حرم رضوی ۱۳۹۵، ۹۴). نکته جالب توجه

اینکه تمامی این کاشی‌ها در ادوار مختلف از یک نقش و ترکیب‌بندی شکل گرفته و هماهنگی و یکدستی نقوش کاشی‌ها توسط معماران به کار گرفته شده است.

در تصویر (۲)، شکل هندسی شمس‌هشتی دیده می‌شود که در بردارنده هشت نام با مضمون الهی «یا حنان، یا منان، یا دیان، یا سبحان، یا برهان، یا امان، یا بیان و یا غفران»، به خط زیبای ثلث است. این نقوش بر اساس اصالت طرح، از آثار دوره تیموری به شمار می‌روند. متن این کتیبه‌ها متشکل از اسمائی است که به حرف «ن» ختم می‌شوند و چرخش دایره‌وار آن‌ها حرکتی از سماع صوفیان را در نزدیکی معنوی با خالق یکتا به نمایش می‌گذارند. از سوی دیگر کاربرد ۸ نام از اسماء الهی را می‌توان با تبرک این عدد به نام امام رضا (ع) به‌عنوان هشتمین امام شیعیان در حرم مقدس ایشان در ارتباط دانست (فغوری و بلخاری قهی ۱۳۹۴، ۱۲). در تصویر (۳) شکل دیگری از این نقش دیده می‌شود که البته شکل ستاره هشت‌پر، تودرتوی گل هشت‌پری است که درون دایره‌ای محاط شده است. «انتهای الف‌ها» در این عبارت که به‌صورت شعاعی به مرکز دایره نزدیک می‌شوند، با گره‌خوردگی خود نقشی هشت‌پر را در وسط دایره به وجود آورده‌اند. نقش مایه‌ای که سماع صوفی را در فنا در ذات «الله» به‌واسطه عبادت و قرب الهی، با چرخش و تکرار لاینقطع ذکر اعظم به تصویر کشیده است. کاربرد صرف کلمه «یا الله» در این تزئین، ناظر بر یکی از آموزه‌های عرفان اسلامی یعنی اصل وحدت وجود است؛ به این معنا که وجود حقیقی فقط خداست و ماسوی الله در وجود او فانی‌اند، چنان‌که سعدی می‌گوید: «دلبرای پیش وجودت همه خوبان عدمند» (همان، ۱۲).



تصویر ۳: شمس‌لچکی معرق هشت همپوشان، گره طبل با ذکر یا الله، دوره تیموری، مسجد گوهرشاد (آرشیو عکس نگارندگان)



تصویر ۲: شمس‌هشت با اذکار الهی، دارای حمیل برجسته بدون لعاب، دوره تیموری، مسجد گوهرشاد (آرشیو عکس نگارندگان)


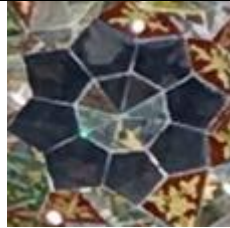





















تصویر ۱: ازاره روضه منوره (آرشیو عکس نگارندگان)

کثرت نماد ستاره هشت‌پر در آستان مقدس رضوی، بدان حد است که هنرمندان در دوره‌های مختلف تلاش کرده‌اند آن را محلی برای نشان‌دادن توانمندی‌های هنری خود قرار دهند. در دیگر اماکن تاریخی ایران و آسیای مرکزی این نماد دیده می‌شود و نمود آن کمابیش با اشکال گوناگون گره‌چینی و نقوش هندسی همخوان پدیدار است، اما در حرم رضوی نقوش یادشده با تنوع و تکرر فراوانی به چشم می‌آیند (جدول ۷). به‌طور کلی، ستاره‌های هشت‌پر موجود در حرم رضوی را بدین صورت می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. اشباع نماد با طرح‌های هندسی همخوان (نمونه‌های ۱۳)؛
۲. اشباع نماد با طرح‌های هندسی ناهمخوان (نمونه‌های ۴-۶)؛
۳. نماد توپر و بدون طرح (نمونه ۷)؛
۴. اشباع طرح با حروف و کلمات همخوان (نمونه‌های ۸-۱۱)؛
۵. اشباع طرح با حروف و کلمات ناهمخوان (نمونه‌های ۱۲ و ۱۳)؛
۶. اشباع نماد با نقوش اسلیمی (نمونه‌های ۱۴-۱۹)؛
۷. اشباع نماد با نقوش آمیخته هندسی و اسلیمی (نمونه‌های ۲۰ و ۲۱)؛
۸. انتزاع نماد به گل‌ستاره (نمونه‌های ۱۲ و ۲۲-۲۴).

جدول ۷: نمونه‌هایی از کاربرد ستاره هشت‌پر در بخش‌های مختلف حرم رضوی (آرشیو عکس نگارندگان)

			
۴. رواق دار الفیض	۳. آینه‌کاری بالای ضریح	۲. رواق توحیدخانه	۱. ایوان طلا
			
۸. رواق دار الاجابه	۷. سقاخانه اسماعیل طلا	۶. مسجد گوهرشاد	۵. رواق توحیدخانه
			
۱۲. صحن انقلاب (عتیق)	۱۱. مسجد گوهرشاد	۱۰. مسجد گوهرشاد	۹. صحن انقلاب (عتیق)
			
۱۶. رواق دار الشکر	۱۵. روضه منوره	۱۴. رواق دار الضیافه	۱۳. مسجد گوهرشاد
			
۲۰. روضه منوره	۱۹. صحن انقلاب (عتیق)	۱۸. صحن آزادی	۱۷. صحن آزادی
			
۲۴. صحن انقلاب (عتیق)	۲۳. رواق دار الولایه	۲۲. رواق دار الفیض	۲۱. مسجد گوهرشاد

بهنای
بهره‌های ایران

ویژگی نمادین ستاره هشت‌پر و
ارتباط آن با امام رضا (ع) به‌استناد
علم اعداد (حروف ابجد)، ۸۵-۹۸

۶. نتیجه

نگاه قدسی هنرمند به ریاضیات، هندسه و اشکال آن‌ها به‌ویژه دایره و مربع و نمایان کردن آن به بهترین صورت بر سطح اثر خود، منجر به خلق آثاری شد که برای انسان عصر حاضر مملو از شگفتی و رمزوراز است. در معماری اسلامی، نقوش هندسی عملکردی فراتر از ابزارهای فنی دارند؛ به‌عبارتی روح هنر اسلامی به‌دلیل دوری‌گزینی از هنر مادی‌گرا، همیشه رو به عالم ماورا و جهان معقول داشته است و به هر ترتیب هنرمند مسلمان توانسته با بهره‌گیری بجا از علم هندسه، نقوشی بیافریند که در عین آنکه ساده‌اند، با نمادگرایی و معناگرایی، ذهن بیننده را به جهانی فراسوی آن‌ها هدایت نموده و رابطه‌ای عمیق بین معبود و عابد را جلوه‌گر سازند. از این نظر باید گفت که در هنر اسلامی، رمز و نماد همچون آینه شفاف است که حقایق عالم ملکوت را جلوه‌گر می‌سازد.

با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته، امتزاج معنویت و علم در بطن ابعاد نمادین اشکال هندسی (به‌ویژه نقش هندسی ستاره هشت‌پر) و مضمون این شکل از نظر علم‌اعداد و حروف نشانگر وقوف هنرمندان بر کارکرد معنایی آن‌ها می‌باشد و می‌توان رابطه نماد مورد نظر با جایگاه معنوی امام هشتم (ع) را در معماری حرم رضوی کاملاً مشاهده کرد. غلبه نماد مورد نظر بر سایر نمادها و تنوعی که هنرمندان در ترسیم و نقاشی آن می‌ذول داشته‌اند، حکایت از همین پیوند نمادین دارد.

تلاقی عدد هشت با جایگاه تسلسلی امام هشتم (ع) در هندسه اسلامی ایرانی، نمونه‌ای از تلاش‌های هنرمندان مسلمان برای برقراری ارتباط بین علم با شریعت است. پیش از ورود هندسه به ساحت معنویت، آنچه می‌توانست علم و شریعت را به هم نزدیک سازد، چیزی جز هنر و ادبیات نبود؛ اما هنرمندان مسلمان و به‌ویژه هنرمندان ایرانی به‌خوبی توانستند این مواصله را برقرار ساخته و صحنه‌هایی اعجاب‌انگیز از بلوغ فکر و اندیشه اسلامی ایرانی را به‌عنوان میراث علمی و معنوی بشریت برای آیندگان به یادگار بگذارند. بر ماست که در معرفی و تداوم آن‌ها بکوشیم تا دگر باره شاهد تالو این ماه درمحاق افتاده باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. Monad همان جوهر است.
۲. مثلاً دایره (ابتث) به این ترتیب: ا، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، ه، و، ی. همین‌طور دایره دیگر که آن را ابجد می‌گویند به این ترتیب: اَبَجَد، هَوُز، حُطٰی، کَلِمِن، سَعَفَص، قَرِشَتْ، تَجَد، صَطَغ (حافظیان ۱۳۹۱، ۶۲).
۳. تعریض: سخن سر بسته گفتن.
۴. تلمیح: اشاره کردن به چیزی؛ ابهام: سخنی که دو معنی نزدیک و دور دارد و مراد گوینده معنی دور آن باشد
۵. تعمیه: تعمیه در لغت به‌معنی کور کردن، پوشیده گفتن، معما گفتن، بیان کردن امری به‌وسیله قلب و تصحیف و تبدیل کلمات یا به‌وسیله رموز و محاسبات ابجدی که پس از تعمق کشف گردد (فرهنگ معین، ماده تعمیه).
۶. تاریخ شهادت امام رضا (ع) سال ۲۰۳ ق است.
۷. بینات جمع بینه است که در آیات قرآن، گاه صفتی برای آیات واقع شده، یعنی نشانه‌های روشن و آشکار، و گاه به‌معنای معجزاتی که حقایق پیامبران را به ثبوت می‌رساند، به کار رفته است. مثل آیه ۲۵ از سوره مبارکه فاطر: «و إِنْ يَكْذِبُونَكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ.»
- طریقه حساب بینات کلمه: برای مثال کلمه علی از حروف عین، لام و یا تشکیل شده که در حساب بینات حرف اول هر کدام از حروف به حساب نمی‌آید و فقط حروف بعدی قابل حساب کردن است. مثال در عین فقط حرف دوم (ی) و حرف سوم (ن)، در لام فقط حرف (ا) و (م)، و در حرف آخر (یا) نیز فقط حرف (ا) محاسبه می‌شود. به این طریق بینات کلمه مشخص می‌شود.
۸. کلمه «الله اکبر» و «الف لام را» از ۸ حرف تشکیل شده است. جمع عدد بینات الله اکبر ۳۸۶، برابر با ۱۷ و مجموع ۸ = ۱+۷ می‌باشد.
۹. جمع عدد بینات ال ۱۵۲، برابر با ۸ است.
۱۰. ماندالا به‌معنی دایره در سانسکریت، جدول هندسی مورد استفاده در ادیان بودا و هندوست که به‌عنوان نمادی برای جهان هستی به کار می‌رود.

ماندالا بر پایه مربع‌های ۸×۸ ساخته می‌شود و مظهر جهان ملکوتی بر روی زمین است یا بر پایه مربع‌های ۹×۹ قرار دارد که به کیهان منجر می‌شود یا عالم را محصور می‌کند (کوپر ۱۳۷۹، ۳۳۸-۳۳۹).

۱۱. این طرح در نقشه ای هندسی، به‌گونه هشت‌پری پویا دیده می‌شود که از مرکزی پدید آمده، در میان مربعی محاط، یا منقوش در دایره‌ای تشکیل دو چلیپا می‌دهد (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۳۱).

۱۲. «لِلصُّدُوقِ زُوی عَنِ الصَّادِقِ عَ أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سُمِّيَ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُرْتَعَةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرْتَعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِجَدَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعًا قَالَ لِأَنَّهُ بِجَدَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعًا قَالَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» (شیخ صدوق ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۱).

۱۳. عدد چهار در اسلام نقش مهمی را بر عهده دارد؛ صوفیان اعتقاد دارند که عروج به لاهوت چهار مرحله است: شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت. انسان از ناسوت و از طریق ملکوت و جبروت به لاهوت سیر می‌کند (شیمل ۱۳۹۵، ۱۰۷).

۱۴. «وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَجَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۱۵).

۱۵. «وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (حاقه: ۱۷). امام جعفر صادق (ع) در حدیثی فرموده اند که عرش الهی دارای هشت رکن اساسی و بر هر رکن فرشتگان بی‌شماری درحال تسبیح هستند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ لَهُ ثَمَانِيَةٌ أُرْكَانٍ عَلَى كُلِّ وَكُنٍ مِنْهَا مِنْ الْمَلَائِكَةِ مَا لَا يَحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْبُحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ وَ لَوْ حَسَّ شَيْءٌ مِمَّا فَوْقَهُ مَا قَامَ لِدَلِكِ طَرْفَةً عَيْنٍ يَبِينُهُ وَ بَيْنَ الْإِحْسَاسِ الْجَبْرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ وَ الْقُدْسِ وَ الرَّحْمَةِ ثُمَّ الْعِلْمُ وَ لَيْسَ وَرَاءَ هَذَا مَقَالٌ» (ابن بابویه ۱۳۶۲، ۳۲۷).

۱۷. و «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَ اغْلُمُوا أَنْ لَلْحَنَّةِ ثَمَانِيَةٌ أَبْوَابٍ عَرْضُ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا مَسِيرَةٌ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (همان: ۴۷۳).

۱۸. «إِنَّا رَبُّنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِّيَةِ الْكُوكِبِ» (صافات: ۶).

۱۹. اصطلاح فراکتال از کلمه یونانی Fractious به‌معنای چندپاره گرفته شده است. مطالعه ریاضی شکل‌های همانند و ارتباط آن‌ها با اشکال طبیعی در مضمونی با عنوان هندسه فراکتال طبیعت، توسط بنیوت مندلبرات در سال ۱۹۷۷ م معرفی شد (عرفانیان ۱۳۸۰).

منابع

۱. قرآن کریم. ۱۳۷۵. ترجمه مهدی الهی‌قمشه‌ای. تهران: انتشارات اسوه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۲. خصال صدوق. ترجمه مدرس گیلانی. تهران: جاویدان.
۳. اخوان‌الصفاء. ۱۹۵۷. رساله هندسه. بیروت: الدار الاسلامیه.
۴. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۹۰. حس وحدت، سنت عرفانی در معماری اسلامی. ترجمه ونداد جلیلی. تهران: علم معمار.
۵. اطلس حرم مطهر رضوی. ۱۳۹۵. مشهد: به‌نشر.
۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۶۲. مطلع الشمس. به‌کوشش تیمور برهان لیموده‌ی. تهران: فرهنگسرا.
۷. البهسنی، عقیف. ۱۳۹۱. هنر اسلامی. تهران: سوره مهر.
۸. السعید، عصام، و عایشه پارمان. ۱۳۹۵. نقش‌های هندسی در هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. ج ۶. تهران: سروش.
۹. امامی، صابر. ۱۳۸۱. «نماد و تمثیل، تفاوت‌ها و شباهت‌ها». کتاب ماه هنر، ش. ۴۷ و ۴۸: ۶۸۶۰.
۱۰. اولانسی، دیوید. ۱۳۸۶. پژوهشی نو در منش میتراپرستی کیهان‌شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان. ترجمه مریم امینی. تهران: چشمه.
۱۱. بروس میتفورد، میراندا. ۱۳۹۴. دایرة‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور. تهران: سایان.
۱۲. پوپ، آرتور ابهام. ۱۳۸۴. شاهکارهای هنر ایران. اقتباس و نگارش پرویز نائل خانلری. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. جعفری دهکردی، ناهید، و خشایار قاضی‌زاده. ۱۳۹۷. «سلاح‌هایی از نور و فر؛ بررسی موردی ستاره‌های هشت‌ضلعی آینه‌ای در

- نگاره‌های شاهنامه صفوی والترز». مجله هنرهای تجسمی، ش. ۲: ۴۷-۵۴.
۱۴. حافظیان، سید ابوالحسن. ۱۳۹۱. شرح و تفسیر لوح محفوظ. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. حجازی، مهرداد. ۱۳۸۷. «هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی». مجله تاریخ علم، ش. ۷: ۱۷-۴۴.
۱۶. خمسه، فرزانه، و محمود طاووسی. ۱۳۸۸. «راز و رمز اعداد در تزیینات مساجد (مسجدجامع ورامین)». فصلنامه هنرهای تجسمی، ش. ۴۰: ۸۹-۱۰۰.
۱۷. خورشیدی، هادی. ۱۳۹۶. کاشی کاری در حرم مطهر رضوی. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری.
۱۸. درخشان، مهدی. ۱۳۵۶. «ماده‌تاریخ‌های ارزنده و شگفت‌انگیز (حروف ابجد و اقسام آن)». مجله وحید، ش. ۲۱۱-۲۱۲: ۲۲۸.
۱۹. دیباج، سید موسی، و حسین سلطان‌زاده. ۱۳۷۷. فلسفه و معماری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۰. سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۰. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری.
۲۱. شیخ صدوق. ۱۳۷۱. من لایحضر الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. شیمل، آناه ماری. ۱۳۹۵. راز اعداد. ترجمه فاطمه توفیقی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۳. طالبیان، یحیی. ۱۳۸۴. «معرفی نسخه‌ای خطی از منتخب الاعداد». نامه فرهنگستان، ش. ۲۶: ۸۹-۹۱.
۲۴. عرفانیان، عباس. ۱۳۸۰. «معماری طبیعت: هندسه فراکتال و نظریه آشوب». مجله فضا، ش. ۲ و ۳: ۲۵-۳۲.
۲۵. عطاردی، عزیزالله. ۱۳۷۱. تاریخ آستان قدس رضوی. تهران: عطارد.
۲۶. فروغی، محمدعلی. ۱۳۱۷. سیر حکمت در اروپا. تهران: زوار.
۲۷. فریه، ر. دیبلو. ۱۳۷۴. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزبان.
۲۸. فغفوری، رباب، و حسن بلخاری قهی. ۱۳۹۴. «بررسی تطبیقی مضمون کتیبه‌های مسجد گوهرشاد و مبانی اعتقادی شیعه در دوره تیموری و صفوی». مجله نگره، ش. ۳۵: ۱۸۴.
۲۹. کاپلستون، فردریک. ۱۳۶۸. تاریخ فلسفه؛ فلسفه یونان و روم. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی. تهران: سروش، و علمی و فرهنگی.
۳۰. کلینی، ثقة‌الاسلام. ۱۳۷۹. اصول کافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. کوپر، جی سی. ۱۳۷۹. فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.
۳۲. کیانمهر، قباد، و محمد خزایی. ۱۳۸۵. «مفاهیم و بیان عددی در هنر گره‌چینی صفوی». مجله کتاب ماه هنر، ش. ۹۱-۹۲: ۲۹-۳۹.
۳۳. کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۳۴. گاتری دلبیو، کی سی. ۱۳۷۵. تاریخ فلسفه یونان؛ فیثاغورس و فیثاغورسیان. ترجمه مهدی قوام صفری. تهران: فکر روز.
۳۵. گنون، رنه. ۱۳۹۲. سیطره کمیت و علائم آخر زمان. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۶. مددپور، محمد. ۱۳۷۴. تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: امیرکبیر.
۳۷. نجیب اوغلو، گل‌رو. ۱۳۷۹. هندسه و تزیین در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سروش.
۳۸. نصر، سید حسین. ۱۳۷۷. نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران: دانشگاه تهران.
۳۹. نورآقایی، آرش. ۱۳۸۸. عدد نماد اسطوره. تهران: افکار.
۴۰. نوپا، پل. ۱۳۷۳. تفسیر قرآنی و زبان عرفانی. ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۱. ویلسون، اوا. ۱۳۹۶. طرح‌های اسلامی. ترجمه محمدرضا ریاضی. تهران: سمت.
۴۲. یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۹۵. انسان و سمبل‌هایش. ترجمه محمد سلطانیه. تهران: جامی.

43. Guenon, Rene. 2004. *Symbols of sacred science*. Translate henry d.fohr. United States: Publisher Sophia Perennis.

مجموعه
بهره‌های ایرا

ویژگی نمادین ستاره هشت‌تیر و
ارتباط آن با امام رضا (ع) به‌استناد
علم اعداد (حروف ابجد). ۸۵-۹۸